

فصل دوازدهم

فرائض

تعریف فرائض [1333]

فرائض جمع فریضه است و فریضه از فرض گرفته شده و بمعنی تقدیر (اندازه تعیین) است : خداوند متعال می فرماید :

(**فَنَصِيفُ مَا فَرَضْتُمْ**) (بقره : 237)

«یعنی نصف آنچه را که تعیین کرده‌اید (به آنها بدهید)».

فرض در شرع عبارت است از سهم تعیین شده برای وارث.

تحدیر از ارتکاب ظلم در میراث:

عربها در زمان جاهلیت قبل از اسلام مردان و بزرگسالان را از ارث بهره‌مند و زنان و کودکان را از آن محروم می‌کردند، وقتی اسلام آمد، خداوند هر صاحب حقی را از حقش بهره‌مند کرد، و این حقوق را

(**وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ**) (نساء : 12)

«وصیتی از طرف خدا».

(**فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ**) (نساء : 11)

«فریضه‌ای از طرف خدا».

نامید، سپس مسلمانان را از مخالفت با شرع خدا در فرائض برحذر داشته و آنها را مورد تهدید قرار داد:

می‌فرماید :

(تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِغِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَتَّعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مَهِينٌ)

(نساء : 13-14)

«این حدود خدا است و هر کسی از خدا و پیامبرش اطاعت کند، خدا او را به باغهای بهشت وارد می‌کند که در آن رودبارها روان است و جاودانه در آن می‌ماند و این پیروزی بزرگی است، و آن کسی که از خدا و پیامبرش نافرمانی و از مرزهای خدا تجاوز کند خداوند او را به آتش وارد می‌گرداند، و جاودانه در آن می‌ماند و برای او عذاب خوارکننده‌ای هست».

فهرست

آنچه از مال میت به ارث برده می‌شود

هرگاه کسی فوت کرد ابتدا باید از ترکه او هزینه‌های تجهیز و تدفین، سپس بدهی‌هایش پرداخت شود، آنگاه وصیتش اجرا گردد و بعد از آن مالی باقی ماند بر ورثه‌اش تقسیم می‌شود به دلیل فرموده خداوند متعال : (مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ) «(سهم شما) پس از انجام وصیت مرده و پرداخت بدهی‌هایش می‌باشد»

و به دلیل گفته علی (ع) : (قضى رسول الله ﷺ بالدين قبل الوصية) [1334] «پیامبر ﷺ به پرداخت بدهی قبل از وصیت حکم کرد».

اسباب ارث گرفتن:

اسبابی که به موجب آن، فرد مستحق ارث می‌گردد، سه چیز است :

1- نسب :

به دلیل فرموده خداوند متعال

(وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ) (احزاب : 6)

«و خویشاوندان نسبت به همدیگر از اولویت بیشتری برخوردارند».

2- ولاء :(*)

به دلیل حدیث ابن عمر از پیامبر ﷺ که فرمود : (الولاء لحمة كلحمة النسب) [1335] «ولاء ارتباطی مانند ارتباط نسبی است».

3- نکاح :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ) (نساء : 12)

«و برای شما نصف دارایی همسرانتان است».

فهرست

موانع ارث:

1- قتل :

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (القاتل لایرث) [1336] «قاتل (از مقتول) ارث نمی‌برد».

2- اختلاف دین :

از اسامه بن زید (رض) روایت است که پیامبر r فرمود : (لایرث المسلم الکافر، ولا الکافر المسلم) [1337] «مسلمان از کافر و کافر از مسلمان ارث نمی‌برد».

3- بردگی :

چون برده و آنچه متعلق به او است، ملک سیدش است، لذا اگر از خویشاوندانش ارثی به او رسید، به سیدش تعلق می‌گیرد، نه به او.

مردانی که ارث می‌برند:

مردانی که ارث می‌برند ده گروهند :

1 و 2- پسر و پسر پسر، و هر چه به پایین :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ) (نساء : 11)

«خداوند درباره (ارث بردن) فرزندانان به شما فرمان می‌دهد و بر شما واجب می‌گرداند که سهم یک مرد به اندازه سهم دو زن است».

3 و 4- پدر و پدرش و هر چه به بالا :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَأَبْوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ) (نساء : 11)

«و به هر یک از پدر و مادر یک ششم ترکه می‌رسد».

جد به منزله پدر است به دلیل فرموده پیامبر r (أنا ابن عبد المطلب) [1338] «من پسر عبدالمطلب هستم».

5 و 6- برادر و پسر برادر و به پایین :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَ هُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَوَلَدٌ) (نساء : 76)

«(واگر خواهری بمیرد و) فرزندی نداشته باشد برادر (پدری و مادری یا پدری) همه ترکه را به ارث می‌برد».

7 و 8- عمو و پسر عمو اگرچه دور هم باشند :

به دلیل فرموده پیامبر r : (أَلْحَقُوا الْفَرَأْنِضَ بِأَهْلِهَا، فَمَا بَقِيَ فَهُوَ لِأَوْلَى رَجُلٍ ذَكَرَ) [1339] «سهمها را به صاحبان آن برسانید. آنچه باقی ماند، مال نزدیکترین خویشاوندان مرد به میت، است».

9- شوهر :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ) (نساء : 12)

«و برای شما نصف دارایی همسرانتان است».

10- سیدآزاد کننده برده :

به دلیل فرموده پیامبر r : (الْوَلَاءُ لِمَنْ أَعْتَقَ) [1340] «ولاء برای کسی است که برده را آزاد کرده باشد».

فهرست

زنانی که ارث می‌برند:

زنانی که ارث می‌برند هفت گروهند :

1 و 2- دختر و دختر پسر و هر چند پدرش پایین باشد :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ) (نساء : 11)

«خداوند درباره (ارث بردن) فرزندانان به شما فرمان می‌دهد».

3 و 4- مادر و جده :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَلِأَبْوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ) (نساء : 11)

«و به هر یک از پدر و مادر یک ششم ترکه می‌رسد».

5- خواهر :

بدلیل فرموده خداوند متعال :

(وَلِأَبْوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ) (نساء : 11)

«و به هر یک از پدر و مادر یک ششم ترکه می‌رسد».

(إِنِ امْرَأَةٌ هَلَكَتْ لَيْسَ لَهَا وَوَلَدٌ وَلَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ)

(نساء : 176)

«اگر مردی فوت کرد و فرزندی نداشت و دارای خواهری بود (پدر و مادری یا پدری) نصف ترکه از آن اوست».

6- همسر :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ) (نساء : 12)

«و برای زنانان یک چهارم از ترکه شما به آنان می‌رسد».

7- سیده (زن آزاد کننده برده) :

به دلیل فرموده پیامبر r: **(الولاء لمن أعتق)** «ولاء برای کسی است که برده را آزاد کرده باشد».

فهرست

کسانی که از ترکه (مال به جا مانده از میت) ارث می‌برند

مستحقان ترکه سه گروهند: اصحاب فروض، عصبه و رحم.

فروضهای تعیین شده در قرآن شش نوع هستند: نصف، یک چهارم، یک هشتم، دو سوم، یک سوم و یک ششم.

نصف (یک دوم) سهم پنج دسته است:

1- **شوهر**، در صورتیکه همسرش فرزند نداشته باشد:

به دلیل فرموده خداوند متعال:

(وَلَكُمْ نِصْفُ مَاتَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وُلْدٌ) (اجماع: 79)

«و برای شما نصف دارایی بجای مانده همسرانتان است اگر فرزندی نداشته باشند».

2- **دختر:**

به دلیل فرموده خداوند متعال: **(وَ إِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ)** «و اگر ورثه تنها یک دختر باشد، نصف ترکه از آن اوست».

3- **دختر پسر:**

چون به اجماع امت دختر پسر به منزله دختر است.

ابن منذر گوید^[1341]: «اجماع امت بر این است که اگر میت فرزند صلبی (که از پشتخود او است) نداشته باشد، پسران پسر او بمنزله پسران او و دختران پسر او بمنزله دختران او هستند».

4 و 5- **خواهر پدري و مادري و خواهر پدري:**

به دلیل فرموده خداوند متعال: **(إِنْ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وُلْدٌ وَ لَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ)** «اگر مردی فوت کرد و فرزندی نداشت و دارای خواهری بود، نصف ترکه از آن اوست».

ربع (یک چهارم) سهم دو دسته است

1- شوهر در صورتیکه همسرش فرزند داشته باشد :

به دلیل فرموده خداوند متعال : (وَلَهُنَّ الرِّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ) «و برای زنان یک چهارم ترکه شما است، اگر فرزندی نداشته باشید».

ثمن (یک هشتم) سهم یک گروه است

زنی که شوهرش فرزند داشته باشد :

به دلیل فرموده خداوند متعال : (فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ) «و اگر شما فرزندی داشتید، سهم همسرانتان یک هشتم ترکه است».

ثلثان (دو سوم) سهم چهار گروه است

1 و 2- دو دختر (و یا بیش از آن) و دو دختر پسر :

به دلیل فرموده خداوند متعال : (فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ) «پس اگر فرزندانان همه دختر بودند و تعدادشان (دو یا) از دو بیشتر بود دو سوم ترکه سهم ایشان است».

3 و 4- دو خواهر شقیقه (پدری و مادری) و دو خواهر پدری :

به دلیل فرموده خداوند متعال : (فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ) «و اگر دو خواهر باقی بمانند دو سوم ترکه را به ارث می‌برند».

ثلث (یک سوم) سهم دو گروه است

1- مادر، اگر حجب (منع) نشده باشد :

به دلیل فرموده خداوند متعال : (فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِامَةِ الثُّلُثِ) «و اگر مرده دارای فرزند نباشد و تنها پدر و مادر از او ارث ببرند، یک سوم ترکه به مادر می‌رسد».

2- دو برادر یا بیش از آن و دو خواهر مادری، یا بیشتر :

به دلیل فرموده خداوند متعال : (وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورِثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ، فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ) «و اگر مردی یا زنی به گونه کلاله از آنها ارث برده شد و فرزندی و پدری نداشتند) و برادر (مادری) یا خواهر (مادری) داشتند، سهم هر یک از آن دو یک ششم ترکه است و اگر بیش از آن

(تعداد، یعنی یک برادر مادری و یک خواهر مادری) بودند، آنها در یک سوم با هم شریک‌اند».

سدس (یک ششم) سهم هفت گروه است

1- مادر زمانی که میت فرزند یا برادرانی داشته باشد :

به دلیل فرمده خداوند متعال ک

(وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَةُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ، فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ) (نساء: 11)

«اگر مرده‌ای دارای فرزند و پدر و مادر باشد به هر یک از پدر و مادر یک ششم ترکه می‌رسد و اگر مرده دارای فرزند (یا نوه) نباشد و تنها پدر و مادر از او ارث ببرند، یک سوم ترکه به مادر می‌رسد و اگر مرده (علاوه بر پدر و مادر) برادرانی (یا خواهرانی از پدر و مادر یا از یکی از آنها) داشته باشد، به مادرش یک ششم ترکه می‌رسد».

2- جده در صورت نبودن مادر :

ابن منذر گوید^[1342] : «اجماع کرده‌اند بر اینکه اگر میت مادر نداشته باشد، جده یک ششم ترکه را به ارث می‌برد».

3- یک برادر یا خواهر مادری :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَ إِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَهِيَ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ) (نساء: 12)

«و اگر مردی یا زنی به گونه کلاله از آنها ارث برده شد (و فرزندی و پدری نداشتند) و برادر(مادری) یا خواهر(مادری) داشتند سهم هر یک از آنها یک ششم ترکه است».

4- دختر پسر با دختر صلبی :

به دلیل حدیث ابوقیس که گفت : «از هزیل بن شرحبیل شنیدم که گفت : از ابوموسی درباره دختر و دختر پسر و خواهر سؤال شد، گفت : دختر نصف ترکه و خواهر نصف دیگر آن را به ارث می‌برد، نزد ابن مسعود هم برو او هم مانند من فتوی می‌دهد، از ابن مسعود سؤال شد و سخن ابوموسی را برایش بازگو کردند. گفت : پس من (در این موضوع) حق را گم کرده و از هدایت یافته‌گان نیستم».

به آنچه پیامبر r در این باره حکم کرده است، حکم می‌کند، و بر این اساس نصف ترکه به دختر و یک ششم آن به دختر پسر تعلق می‌گیرد، که این یک ششم مکمل دو سوم است، و آنچه باقی می‌ماند به خواهر تعلق می‌گیرد.

نزد ابوموسی رفتیم و آنچه را که ابن مسعود گفته بود برایش بازگو کردیم، گفت: تا زمانی که این عالم شایسته در میان شما است، از من سؤال نکنید».^[1343]

5- خواهر پدری، با خواهر شقیقه (پدری و مادری) به قیاس بر دختر پسر با دختر صلبی، مکمل دو سوم هستند.

6- پدر زمانی که میت فرزند داشته باشد:

به دلیل فرموده خداوند متعال:

(وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ)

(نساء: 11)

«اگر مرده‌ای دارای فرزند و پدر و مادر باشد به هر یک از پدر و مادر یک ششم ترکه می‌رسد».

ابن منذر گوید^[1344]: «براینکه حکم جد (پدر بزرگ) در صورت نبودن پدر مانند پدر است اجماع کرده‌اند».

فهرست

عصبه

تعریف آن^[1345]

عصبه جمع عاصب است مانند طالب و طلبه، عصبه، پسران مرد و نزدیکان پدری او هستند و مقصود از آنها در اینجا کسانی‌اند که پس از پرداخت سهم اصحاب فروض بقیه ترکه به آنها تعلق می‌گیرد، و اگر از ترکه برایشان باقی نماند، چیزی به آنان نمی‌رسد، مگر اینکه عاصب پسر باشد؛ چون پسر در هیچ حالتی، از ارث محروم نمی‌شود. همچنین اگر از اصحاب فروش کسی یافت نشد، عصبه تمام ترکه را به ارث می‌برند:

از ابن عباس روایت است که پیامبر r فرمود: (أَلْحَقُوا الْفَرَائِضَ بِأَهْلِهَا، فَمَا بَقِيَ فَهُوَ لِأَوْلَى رَجُلٍ نَكَرٍ)^[1346] «سهمها را به صاحبان آن برسانید، آنچه باقی می‌ماند مال نزدیکترین خویشاوند مرد به میت است».

و خداوند متعال می‌فرماید: (وَ هُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ) «(و اگر خواهری بمیرد (و فرزندی نداشته باشد برادر (پدری و مادری یا پدری) همه ترکه را به ارث می‌برد».

در این آیه تمام ترکه به برادری که تنها است نسبت داده شده و بقیه عصبه هم بر او قیاس شده است.

اقسام عصبه: [1347]

عصبه دو نوع اند : عصبه نسبی و عصبه سببی :

1- عصبه سببی

عصبه‌ای است که سبب آن آزادی برده باشد، به دلیل فرموده پیامبر r : (الولاء لمن أعتق) [1348] «ولاء برای کسی است که برده را آزاد کرده باشد».

و می‌فرماید : (الولاء لحمه كلحمه النسب) [1349] «ولاء ارتباطی مانند ارتباط نسب است».

معتق (آزاد کننده برده) مرد باشد یا زن تنها در صورتی از معتوق (برده آزاد شده) ارث می‌برد که عصبه نسبی نداشته باشد :

از عبدالله بن شداد از دختر حمزه روایت است : (مات مولای وترک ابنة، فقسم رسول الله r ماله بینی و بین ابنته، فجعل لی النصف و لها النصف) [1350] «مولایم (برده آزاد شده‌ام) فوت کرد و دختری از خود به جای گذاشت، پیامبر r مالش را بین من و دخترش تقسیم کرد، نصف مال را به من و نصف دیگر را به او داد».

2- عصبه نسبی

عصبه نسبی به سه دسته تقسیم می‌شوند :

1- عصبه بالذات : که عبارتند از مردان وارث، بجز شوهر و فرزند مادر.

2- عصبه بالغیر : دختران و دختران پسر و خواهران شقیقه (پدر و مادری) و خواهران پدری.

پس هرکدام از اینها با برادرش، و بوسیله او عصبه می‌شوند، و به اندازه نصف سهم او ارث می‌برند :

به دلیل فرموده خداوند متعال : (وَ إِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَ نِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ) («و اگر برادران و خواهران با هم باشند هر مردی به اندازه سهم دو زن ارث می‌برد».

3- عصبه مع الغیر : که عبارتند از خواهران با دختران :

به دلیل حدیث ابن مسعود : (و ما بقی فلاخت) [1351] «و آنچه باقی می‌ماند برای خواهر است».

فهرست

حجب و حرمان [1352]

تعریف حجب و حرمان:

حجب در لغت به معنی منع، و منظور از آن منع شخص معینی از تمام یا بخشی از میراث به علت وجود شخصی دیگر است.

حرمان : منع شخص معینی از میراث به سبب وجود یکی از موانع ارث از قبیل قتل و امثال آن است.

انواع حجب:

حجب دو نوع است : حجب نقصان و حجب حرمان.

حجب نقصان عبارت است از : کم شدن میراث یکی از ورثه به علت وجود شخصی دیگر و به پنج نفر تعلق می‌گیرد :

1- شوهر، در صورتیکه همسرش فرزند داشته باشد، از نصف به یک چهارم حجب می‌شود.

2- همسر در صورتیکه شوهرش فرزند داشته باشد، از یک چهارم به یک هشتم حجب می‌شود.

3- مادر هنگام وجود فرع وارثی از یک سوم به یک ششم حجب می‌شود.

4- دختر پسر.

5- خواهر پدري.

حجب حرمان عبارت است از محروم شدن شخصی از تمام میراث به علت وجود شخصی دیگر مانند محروم شدن برادر از میراث هنگام وجود پسر، حجب حرمان به شش نفر زیر تعلق نمی‌گیرد، هر چند حجب نقصان به آنها تعلق می‌گیرد :

1 و 2- پدر و مادر.

3 و 4- پسر و دختر.

5 و 6- زن و شوهر.

حجب حرمان غیر از این شش نفر، دیگر ورثه را در برمی‌گیرد.

حجب حرمان بر دو اساس استوار است :

1- آنانی که به واسطه شخصی دیگر به میت منتسب می‌شوند، در صورت وجود آن شخص ارث نمی‌برند.

مانند پسرِ پسر که با وجود پسر ارث نمی‌برد، بجز فرزندان مادر چون آنان علی رغم اینکه به واسطهٔ مادر به میت منتسب می‌شوند، باز هم با وجود او از میت ارث می‌برند.

2- نزدیکتر بر دورتر مقدم می‌گردد، بنابراین پسر، پسر برادرش را حجب می‌کند و اگر در یک درجه باشند هر کدام از آنها دارای قرابت قویتری باشد، مقدم می‌شود، مانند برادر شقیق (پدر و مادری) که برادر پدري را حجب می‌کند.

فهرست